شهرآرا
شنبه
۰۱ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱۱ شوال ۱۴۴۵
شماره ۴۱۹۷
SHAHRARANEWS.IR
۱۰
فرهنگ و ادبیات

ارادت شاعران حوزه کودک و نوجوان به ساحت امام رضا(ع)

اولین محفل جنبی پانزدهمین جشنواره ملی شعر کودک ونوجوان رضوی و آیین نکوداشت چهره پیشکسوت شعر کودک ونوجوان رضوی، استاد محمدکاظم مزینانی، در قم برگزار شد. به‌گزارش شهرآرا به نقل از ستاد خبری جشنواره بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا(ع)، این آیین عصر چهارشنبه ۲۹فروردین به همت دبیرخانه شعر کودک ونوجوان رضوی در سالن سینمای اشراق معاونت فضای مجازی، هنر و رسانه دفتر تبلیغات اسلامی قم برگزار شد. سیداحمد میرزاده، دبیر پانزدهمین دوره جشنواره ملی شعر کودک ونوجوان رضوی، در این برنامه گفت: برگزاری برنامه هایی مانند این جشنواره حجم بسیار زیادی از امور اجرایی دارد، اما دو عامل و انگیزه هست که کار را پیش می برد و شامل ارادت شاعران کودک ونوجوان به ساحت امام رضا(ع) و احساس و عاطفه ای می شود که بین اهالی ادبیات کودک ونوجوان وجود دارد.

او بیان کرد: در دوره فعلی شاهد برگزاری محفل های استانی هستیم که شروع آن از شهر قم است و دیگر محفل ها نیز در روزهای آینده در کرمان، همدان، شیراز و تهران برگزار می شوند و اختتامیه در روز ۲۹اردیبهشت در مشهد مقدس برگزار خواهد شد. هدف از این برنامه های استانی این است که بتوانیم فرصتی برای عرض ارادت همه شاعران کودک ونوجوان در سراسر کشور به ساحت امام هشتم فراهم کنیم. او با اشاره به تولید محوربودن دوره فعلی جشنواره بیان کرد: طرح هشت کتاب را در پانزدهمین جشنواره تصویب کردیم. قرار است از مجموعه آثار محافلی که در برنامه های جنبی ارائه می شوند، برگزیده ای از شعرهای چهره های مطرح در قالب هشت کتاب منتشر شود.

دبیر پانزدهمین دوره جشنواره ملی شعر کودک ونوجوان رضوی گفت: در سال ها و دهه های گذشته کتاب هایی در حوزه شعر کودک ونوجوان رضوی به شکلی مستقل منتشر می شد که باید دیده شوند و در هرکدام از محفل های جنبی پانزدهمین جشنواره ملی شعر کودک ونوجوان رضوی یکی دو کتاب مرتبط با آثار هنرمندان آن استان معرفی می شود.

تأکید داریم باید سهم کسانی که پیش گام و پیشکسوت عرصه شعر رضوی بوده اند و اولین کارها را در این حوزه داشتند، دیده شود. او همچنین از این گفت که محمدکاظم مزینانی چهره ای شناخته شده و تأثیرگذار در شعر کودک ونوجوان است و با کتاب های خاصش تخیل و زبان جدیدی را وارد شعر کودک کرد و بسیاری شاعران در امتداد وی عمل کردند.

«بوستان سعدی» شنیدنی شد

انتشارات کتاب نیستان در قالب تولید محصولات صوتی اش، کتاب صوتی «بوستان سعدی» را با صدای ساعد باقری تولید کرده است. خبرگزاری ایبنا نوشته است: «بوستان» سعدی را باید شناسنامه ادبی ایران و ایرانی به شمار آورد؛ کتابی سرشار از پند و حکمت که با زبانی بسیار فاخر و شیرین برای حافظه تاریخی و ادبی ایران باقی مانده است.

قرن های متمادی این کتاب در زمره یکی از سرمایه های ادبی ایران به شمار رفته و در تعلیم و زبان آموزی نسل های مختلفی از ایرانیان نقش ایفا کرده است. «بوستان» سعدی یا سعدی نامه، نخستین اثر سعدی است که کار سرودن آن در سال ۶۵۵قمری پایان یافته است. سعدی این اثر را زمانی که در سفر بوده، سروده و هنگام بازگشت به شیراز آن را به دوستانش عرضه کرده است.

این اثر در قالب مثنوی و در بحر متقارب سروده شده و از نظر قالب و وزن شعری حماسی است، هرچند که از نظر محتوا به اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعیات پرداخته است. این کتاب همچنین به انتخاب نشریه گاردین جزو صد کتاب برتر تاریخ بشریت برگزیده شده است.

باقری، شاعر ایرانی معاصر، مجری رادیو و تلویزیون است. بسیاری از مخاطبان وی او را با برنامه های ادبی اش در رادیو و نیز تلویزیون به ویژه در ماه مبارک رمضان می شناسند و صدای گرم او در کنار نکته های نغزی که در زمینه تفسیر متون کهن فارسی بیان می کند، سال هاست که مخاطبان ثابت و پروپاقرصی در میان نسل ها و سنین گوناگون مخاطب رادیو و تلویزیون داشته است.

کتاب گویای «بوستان سعدی» به مدت ۱۱ساعت و ۵۰دقیقه، با قیمت ۵۵هزار تومان برای مخاطبان عرضه شده است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

ترکیه خبر بازداشت داوود غفاری (داوود هزینه) رو تایید کرد. وی احتمالا به ایران تحویل داده خواهد شد.

ویراسته ✓

ترکیه خبر بازداشت داوود غفاری (داوود هزینه) را تأیید کرد. وی احتمالا به ایران تحویل داده خواهد شد.

نکته

در خبرنویسی حق نداریم از زبان گفتاری استفاده کنیم. در اینجا خبرنگار چه از روی شتاب و سرعت و چه ناآگاهی به جای «را» از «رو» استفاده کرده است.

#زین_قند_پارسی

معرفی چند اثر پژوهشی درباره سعدی به مناسبت روز بزرگداشت او

پارسی را به جهان، رونق و آوازه از اوست

ویژه بزرگداشت سعدی

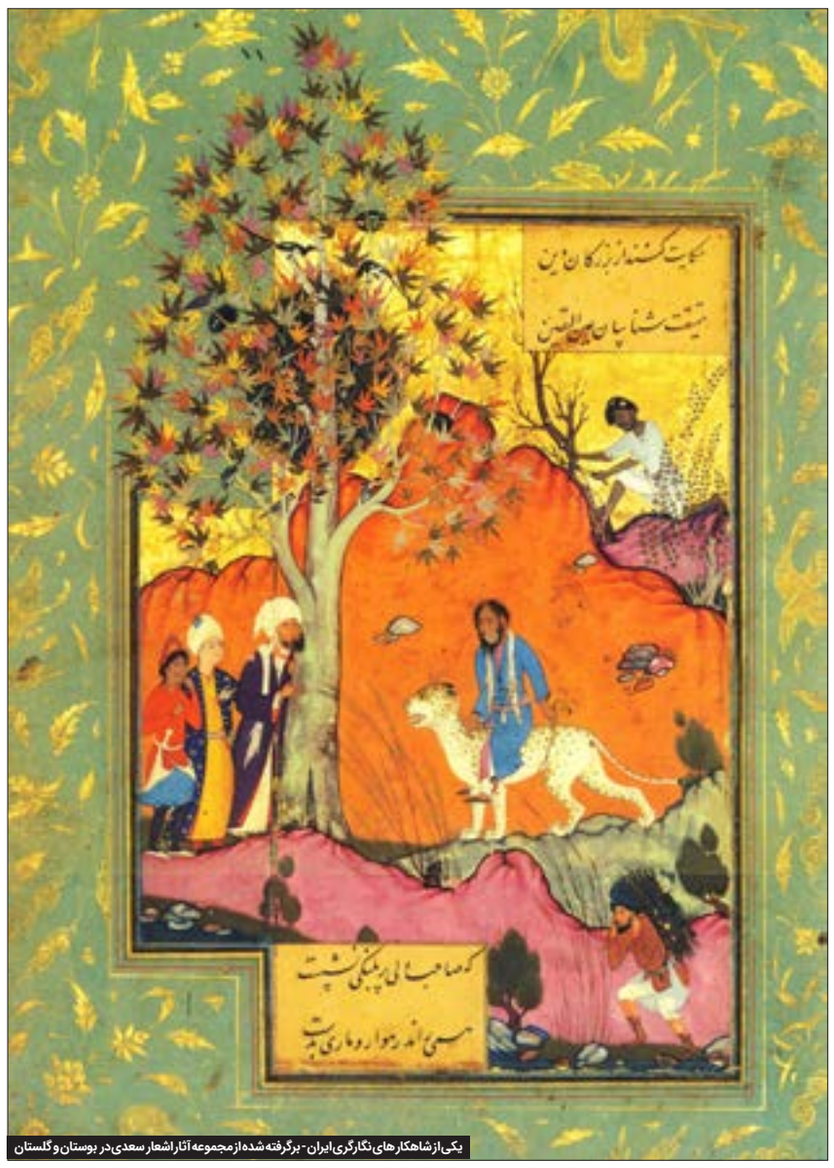
یکی از شاهکارهای نگارگری ایران - برگرفته شده از مجموعه آثار اشعار سعدی در بوستان و گلستان

خادم

سعدی را «معلم دوران پختگی زبان ادب فارسی» دانسته اند که زبانش در نهایت پروردگی و در اوج فصاحت و بلاغت است و هنوز زنده و پویا. محمدعلی فروغی درباره شباهت زبان امروز ما با زبان سعدی که هفتصدسال از آن می گذرد، چنین گفته است: «گاهی شنیده می شود که اهل ذوق اعجاب می کنند که سعدی هفتصدسال پیش به زبان امروز ما سخن گفته است، ولی حق این است که سعدی هفتصدسال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است، بلکه ما پس از هفتصدسال به زبانی که از سعدی آموخته ایم، سخن می گوییم، یعنی سعدی شیوه نثر فارسی را چنان دل نشین ساخته که زبان او زبان رایج فارسی شده است.» اما همه هنر او در زبان و مهارتش در به‌کارگیری از آن خلاصه نمی شود؛ بوستان و گلستان و غزلیات و دیگر اشعار او از لحاظ اخلاقی و اجتماعی و سیاسی بسیار نکته ها دارد. داریوش شایگان در پیشگفتار کتاب «پنج اقلیم حضور» به سراغ پنج تن از بزرگان تاریخ ادب ایران، یعنی فردوسی، خیام، مولوی، سعدی و حافظ رفته است تا ببیند چرا جان ایرانیان این اندازه با شعر عجین است و چرا برای شاعران بزرگشان حرمتی قائل اند که در هیچ جای جهان نمونه اش را ندیده است. او در این اثر نوشته است: «ما ایرانیان هر یک به طریقی مدیون کلام اوییم. تعالیم سعدی در قالب زبانی فصیح و موجز و موزون که گاه به مایه طنز نیز آراسته است. آویزه گوش و ورد زبان ماست و همه جا برحسب شرایط و موقعیت های گوناگون با اطمینان به آن ها رجوع می کنیم.» سعدی نه فقط در زندگی ایرانیان و فارسی زبانان حضور دارد، بلکه بر شعرا و ادیبان غربی مانند گوته و پوشکین هم تأثیر گذاشته است، به طوری که پوشکین را «سعدی جوان» لقب داده بودند. به مناسبت روز بزرگداشت او، چند مقاله و پژوهش را معرفی می کنیم که هم متنوع است و هرکدام به ویژگی هایی از زبان و جهان سعدی می پردازد و هم در دسترس است و می شود با جست وجو در اینترنت آن ها را یافت و خواند.

آرمان شهر سعدی کجاست؟

«نقش تعلیمی غزل در آرمان شهر سعدی» عنوان مقاله ای است به نویسندگی دکتر اصغر دادبه. آنچه در این اثر پژوهشی می خوانیم درباره هدف سعدی، در مقام شاعری اندیشمند و متفکری اصلاح طلب، طراحی آرمان شهری است که در آن عدالت و انصاف حاکمیت یابد و هرکس به قدر شایستگی خود بهره مند شود. سعدی در گلستان وضع موجود جوامعی را که می شناسد، مورد نقادی قرار می دهد و در بوستان به طراحی آرمان شهر می پردازد. دیگر سروده های سعدی، به ویژه قصاید و غزل های او نیز در خدمت آرمان شهر قرار می گیرند و نقشی تعلیمی دارند. بدین ترتیب که اول، مردم را به زندگی عاشقانه و شادخوارانه فرامی خوانند که زندگی در آرمان شهر باید چنین باشد؛ دوم، نقش موسیقی را که در تعلیم و تربیت بسیار مؤثر است، ایفا می کنند؛ سوم، ابزاری هستند در خدمت آموزش دائمی و به تعبیر امروز در خدمت آموزش و بازآموزی، ازآن رو که غزل، بارها و بارها خوانده می شود و خواننده هربار نه نکته بلکه نکات بسیار می آموزد.

دادبه که یکی از پژوهشگران نامدار آثار سعدی است، در مقاله «سعدی؛ سنت و نوآوری» بر این باور است که سعدی سنت‌گرایی است نوآور.

بر این اساس سعدی با تکیه بر سنت های ادبی پیش از خود، یعنی میراث ادبی خراسان و با اصلاح و تکمیل آن ها، چنان که خود می خواست و می اندیشید، مکتب ادبی فارس یا مکتب ادبی شیراز را بنیاد نهاد. در نثر، گلستان را پدید آورد که هم از لحاظ چگونه گفتن شاهکار است، هم از لحاظ چه‌گفتن (طرح مسائل اخلاقی و اجتماعی و نقد نهادهای اجتماعی) کتابی است که قرن ها کتاب درسی فارسی‌گویان جهان بود. در حوزه شعر، هم بوستان را سرود که در آن به طرح هدف نهایی اش یعنی طرح آرمان شهر پرداخت، هم به سرودن غزل ها و قصایدی پرداخت که هر دو در نوع خود بدیع اند، سروده هایی که آن ها را به صفت «سهل ممتنع» موصوف ساخته اند. سروده های او جمله سخن عشق است که به‌گفته او «سخن عشق است و دیگر قال وقیل است». این عشق از عشق حسی مجازی تا عشق حقیقی عرفانی را دربرمی‌گیرد و آنچه در این حرکت تازگی دارد، اول، تأکید بر عشق حسی مجازی به عنوان تجربه ضروری در عشق است و به عنوان درآمدی بر فهم عشق؛ دوم تأکید بر عشق به انسان و گونه ای انسان‌گرایی (اومانیسم) که در همه نوشته ها و سروده ها هدف نهایی سعدی است.

مکتب سعدی و رهروان خوش نام او

کامیار عابدی شال در مقاله ای پژوهشی با عنوان «پارسی را به جهان، رونق و آوازه از اوست» به بررسی آثار نثرنویسان معاصر در مکتب سعدی پرداخته است. این مقاله باتوجه به ویژگی های زبانی هر قوم و نیز خصوصیات زبان فارسی دری و همچنین نقش سعدی در تحول این زبان به بیان مقدمه ای در زمینه نثر سعدی و برخی نثرنویسان معاصر و متأثر از سعدی می پردازد که در مکتب سعدی و از وی در امر نگارش خویش بهره ها برده اند. این نویسندگان و نوع نگارش آنان در طبقه بندی های مختلفی مانند ادیبان: محمدعلی فروغی، سعید نفیسی و...، تاریخ نگاران: اقبال آشتیانی، فریدون آدمیت و...، دانشوران فرهنگی: محمود صناعی، ایرج افشار و...، روزنامه نگاران: فرامرزی، محمود عنایت و...، مترجمان: محمد قاضی، نجف دریابندری و...، طنزنویسان: علی اکبر دهخدا، فریدون توللی و...، خاطره نگاران: مستوفی و... و داستان نویسان: جمالزاده، پرویزی و... قرار گرفته اند و کامیار عابدی در مقاله «پارسی را به جهان، رونق و آوازه از اوست» که در مجله «سعدی شناسی» منتشر شده، به آن پرداخته است.

سعدی سنت گرایی است نوآور. او با تکیه بر سنت های ادبی پیش از خود، یعنی میراث ادبی خراسان و با اصلاح و تکمیل آن ها، چنان که خود می‌خواست و می‌اندیشید، مکتب ادبی فارس یا مکتب ادبی شیراز را بنیاد نهاد

سعدی و طبقه رعیت

یکی دیگر از آثار پژوهشی درباره سعدی، مقاله «مقاومت زیردستان در برابر قدرت با سازوکار ایدئولوژیک در بوستان سعدی» کار مشترک نعمت ا... ایرانزاده، محمدحسن حسن زاده نیری و سعیده قاسمی است.

نویسندگان در این پژوهش، با اساس قراردادن آثار سعدی، به طرح پرسشی پرداخته اند مبنی بر اینکه طبقه رعیت چگونه به کسب قدرت در ساختار اجتماعی می پرداختند. نظر به کارکرد چند جانبه گفتمان ها در متون قرن هفتم، یافته های پژوهش از این قرار است که در کنار صوفیان و زاهدان و دسته های گوناگون اجتماعی که برای کسب قدرت، سازوکارهای ویژه خود را به کار می‌گیرند، از دیگر سو، گروه زیردست و رعیت نیز با تصرف و تغییراتی در آن ابزارها، به برساخت های جدید قدرت دست می یازند؛ آنان با تلفیق پندارها با باورهای دینی و عرفانی و عرفی موجود در جامعه که در عین حال، باعث فرمانبری و انقیاد خود ایشان شده است، به بسط سازوکاری می اندیشند که با بازپخش و اعمال آن، بتوان به‌گونه ای بهره برد تا برترین مقامات را به اطاعت و تسلیم واداشت. بدین ترتیب، با نگرشی ساختارشکنانه به متون، کنش و تعامل پیچیده میان کنشگران، جایگزین تصور فروکاهنده مبنی بر تعامل یک جانبه میان گروه های فاعل اجتماعی می شود.

اندیشه سعدی، فراتر از ایران

الهام شاعران و نویسندگان نامدار جهان از آثار سعدی، موضوعی است که توجه بسیاری از پژوهندگان ادبی ایران را به خود اختصاص داده است. مقاله «نگاهی به دیوان غربی-شرقی و تأثیر کلام سعدی بر گوته» اثر دکتر سیدسعید فیروزآبادی، از جمله این آثار است.

همگان حافظ را سرچشمه الهام گوته، شاعر نامدار آلمان، می دانند. دراین باره، مقاله های بسیاری نگاشته شده، ولی نکته مهم در این زمینه، تأثیر دیگر سخنوران بزرگ پارسی زبان بر گوته است. سال ها پیش از ترجمه هامرپورگشتال از دیوان حافظ، آدام اولئاریوس، فرستاده دربار اشلزویگ هولشتاین به اصفهان عهد صفوی، گلستان سعدی را به آلمانی ترجمه کرده بود و این ترجمه نه تنها بر گوته، بلکه بر بسیاری از شاعران و نویسندگان آلمانی زبان تأثیر نهاد. این تأثیرپذیری گاه همچون غزل های حافظ بر صور خیال و خیال بندی های گوته تأثیر نهاده و گاه شاعر آلمانی سخن سعدی را بی‌کم وکاست آورده است. مقاله «سعدی و گوته» نوشته دکتر سعید فیروزآبادی که در مجله «ادبیات تطبیقی جیرفت» منتشر شده، یادآور برخی از این ویژگی ها و در عین حال اهمیت ترجمه گلستان سعدی به زبان آلمانی است.

جان ا... کریمی مطهر و تبسم ره‌کهنموئی نیز در مقاله «پوشکین؛ سعدی جوان روسیه (جایگاه سعدی در اشعار پوشکین)» به تأثیر پذیری پوشکین از آثار سعدی پرداخته اند.

پوشکین پدیده فوق العاده ای در ادبیات روسیه و حتی جهان است که در آثارش ایده های جهانی می درخشند. هیچ‌کس مانند پوشکین توانایی مبدل شدن به انسان دیگر ملل و این چنین موثق از زبان او حرف زدن را ندارد. این ویژگی پوشکین در توصیف فرهنگ و نابغه بزرگ ایران، سعدی، آن قدر زیاد است که در سال ۱۸۲۴ و پس از چاپ منظومه «فواره باغچه سرای»، با سرلوحه ای از سخنان سعدی، شاهزاده شالیکوف، ناشر مجله دامسکی ژورنال، به او لقب «سعدی جوان» داد؛ زیرا پوشکین برای نخستین بار در ادبیات روسیه نشان داد که چگونه باید سعدی، نابغه ایرانی، را توصیف کرد. نویسندگان در این مقاله به موضوع پوشکین و سعدی و نیز به نقش ارزشمند و کلیدی سخنان سعدی در بیان اندیشه های پوشکین در منظومه «فواره باغچه سرای» و بعضی از آثار دیگرش پرداخته اند. برخی اندیشه های سعدی، مانند سرلوحه «فواره باغچه سرای» که برگرفته از باب اول بوستان سعدی است، در بسیاری از آثار و مکاتبات پوشکین به وفور تکرار شده و همچون یک مَثَل بین مردم روسیه ساری و جاری است.

تصویر شهر در بوم شعر سهراب سپهری

اثری از اسفیرات سپهری که با تکنیک رنگ روغن روی بوم در حوالی سال ۱۳۵۰ خورشیدی خلق شد

یادداشت

علیرضا حیدری
روزنامه نگار و مدرس ویراستاری

نگاه سهراب به شهر، نگاه یک شهرساز نیست، نگاه یک شاعر و نقاش است. او به ذات شهر و آنچه شهر را شکل می دهد، نمی نگرد. سهراب از همان زاویه خودش به شهر نگاه می کند و همان دغدغه های خودش را دارد. او از اینکه «زندگی» در شهر گم شده، نگران است. وقتی می گوید «پشت دریاها شهری است»، یعنی آرمان شهری را جست وجو می کند که در دایره نگاه فلسفی و عرفانی او تفسیر می شود. سهراب دنبال «زندگی» می گردد و به خوب و بد شهرنشینی چندان کاری ندارد. شاید آرمان شهر او نمادی از یک حقیقت دست نیافتنی باشد. آنچه از عناصر آرمانی اشعار سپهری می توان دید، به دیدگاه او با رویکردی عرفانی و عاشقانه برمی گردد؛ هرچند در «هشت کتاب» خود برای تفسیر آرمان شهر و راه های رسیدن به آن از عناصر و مصالح معماری چون خانه، درگاه، اتاق، مسجد و مصالحی چون سنگ و گل و خشت هم استفاده کرده است.

به همین دلیل، وقتی از ماسوله یاد می کند، با وجود اینکه شیفته سبک معماری آن شهر می شود، بازهم در آنجا دنبال «زندگی» است: «به ماسوله آمدیم که از ماسوله بنویسیم، ماسوله را نمی توان نوشت؛ ماسوله را باید دید و به تماشای آن همه خانه که به پهنه سبز کوه نشسته است ایستاد، در ماسوله باید زندگی کرد، نقاشی باید کرد، فیلم باید ساخت، شعر باید گفت...»

از شهر خودش هم که یاد می کند، در همان شعر بلند «اهل کاشانم» می گوید: «اهل کاشانم، اما/ شهر من کاشان نیست/ شهر من گم شده است.» به دنبال شهری است که دلش می گوید و جایی که شب بو و چشمه و کبوتر و اقاقی و نسیم و... دارد. از گذشته ازدست رفته می گوید و روزگاری که «زندگی در آن وقت، حوض موسیقی بود». از مظاهر مدرن روزگار خود هم که یاد می کند، تصویر آرمانی و شاید ازدست رفته یا حتی دور از دسترس را بر بوم شعر خود می کشد: «من قطاری دیدم، روشنایی می برد.»

سهراب دل می کند از این قرن سیمانی و شهری که دوست ندارد، همان شهری که پر است از «رویش سیمان، آهن، سنگ» و نسخه خودش را می پیچد که «با همه مردم شهر زیر باران باید رفت». راه چاره را در فرار از این شهرهایی می داند که زندگی را در قفس کرده اند و می گوید: «قایقی خواهم ساخت / خواهم انداخت به آب / دور خواهم شد از این خاک غریب / ... همچنان خواهم راند / ... دور باید شد، دور / مرد آن شهر اساطیر نداشت / زن آن شهر به سرشاری یک خوشه انگور نبود / هیچ آیینه تالاری، سرخوشی ها را تکرار نکرد/... پشت دریاها شهری است/ که در آن پنجره ها رو به تجلی باز است / بام ها جای کبوترهایی است که به فواره هوش بشری می نگرند / دست هر کودک ده ساله شهر، خانه معرفتی است/ مردم شهر به یک چینه چنان می نگرند/ که به یک شعله، به یک خواب لطیف / ... پشت دریاها شهری است / که در آن وسعت خورشید به اندازه چشمان سحرخیزان است...» ازاین رو، شهر دل خواه سهراب براساس روشنی بی‌کران، آرمان شهر ایرانی و تصویر باغ که برگرفته از هندسه ایرانی است، طراحی شده است و به سمت عرفان اشاره می کند. شعر «در گلستانه» به خوبی زیست شاعرانه وی را در فضاهای روستایی کاشان به تصویر می‌کشد. گلستانه روستایی است در دهستان «قهرود» و یکی از مناطق ناب کاشان که در آنجا بیشترین گل منطقه قمصر کاشان کاشته می شود و سهراب در همین مکان پیشنهاد می کند: «تاشقایق هست، زندگی باید کرد...» ظاهرا قرار بوده طبق خواسته و وصیت سهراب، او را در همین روستا نیز به خاک بسپارند، اما پس از درگذشتش به دلیل حفظ آرامگاهش از طغیان رود، پیکر سهراب را در صحن امامزاده سلطان علی دهستان مشهد اردهال به خاک می سپارند.